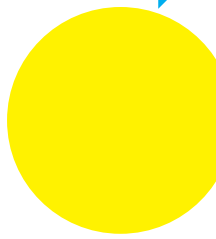


ایران



- **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری
- **سردبیر:** هادی خسروشاهین

- **مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران**
- **رئیس هیات مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
- **مدیرعامل:** علی متقیان
- **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
- **پيامک:** ۳۰۰۴۵۱۳۳ • **روابط عمومی:** صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸
- **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ • **شرکت NISCERT**
- **پدیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

امام حسین (ع):

سوگند به خدا که خون من از جوشش باز نمی‌ایستد تا این که خداوند، مهدی را برانگیزد.



المناب، ۴، ص ۸۵

شیرین تراز عسل

ای نوجوان رشید کربلا! ای جوانه نورسته باغ ولایت! ای وارث غربت حسن! در روزی که آسمان بر کربلا سایه‌ای از خون افکنده بود، تو از میان خیمه‌ها برخاستی؛ نه با قامت یک نوجوان، که با صلابت مردی که

نقش عاشورا

قرن‌ها پیش از تولدش نامش را در دفتر وفاداری نوشته بودند. جشامات طراوت جوانی داشت و در قلبت اقیانوسی از یقین موج می‌زد. وقتی از شهادت پرسیدند، مرگ در نگاهت

شیرین تراز عسل بود.

ای قاسم! تو به میدان رفتی تا ثابت کنی عظمت روح را با شمار سال‌های عمر نمی‌سنجند. گام هایت کوچک بود، اما رد قدم هایت چنان عمیق بر تاریخ

نشست که هنوز پس از قرن‌ها دل‌ها از شوک‌هش می‌لرزند. آن‌گاه که شمشیر برکشیدی، دشمن نوجوانی را نمی‌دید؛ شکوه پنی‌هاشم را می‌دید که در سیمای تو ایستاده است. روح حیدری در بازوانت

جاری بود و غیرت حسنی در رگ‌های شعله می‌کشید.

تا آن لحظه شگفت فرا رسید؛ لحظه‌ای که زمین امانت کوچکش را در آغوش گرفت و آسمان ستاره‌های دیگر از کاروان عاشورا را به

نگاهبان اتحاد ملت ایران باشیم

جنگ تحمیلی سوم، تشدید اختلافات و تضادها در جبهه دشمن بود. کشورهای ناتو با آمریکا همراهی نکردند و پیوسته مورد توهین ترامپ قرار گرفتند.

اکنون شاهد اختلافات آشکار دو متحد اصلی جنگ، آمریکا و رژیم صهیونیستی هستیم.

اتحاد و انسجام ملت ایران، رمزگشای این پیروزی است. نگاهبان آن باشیم.

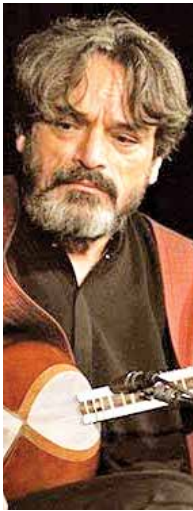


سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در صفحه شخصی خود در یکی از شبکه‌های اجتماعی

سخنرانی «حسین علیزاده» در «شب استیون بلام»

نهد و پنجاه و پنجمین شب بخارا که به بزرگداشت استیون بلام، پژوهشگر نامدار موسیقی ایرانی، اختصاص یافته است، حسین علیزاده به همراه آمنه یوسف‌زاده، نصرالله پورجوادی، محمدرضا درویشی، کلیم‌الله توحی، بابک خضرائی، فرزاد آموزگار، هومان اسعدی و علی دهباشی سخنرانی خواهد کرد.

شب «استیون بلام» ساعت ۱۷ یکشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۵ در سالن استاد شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. / **خبرآتلاین**



«شروین حاجی پور» بازیگر شد

شروین حاجی پور خواننده و ترانه‌سرا در اولین تجربه بازیگری اش مقابل دوربین علی بهراد رفت.

طبق اعلام دست‌اندرکاران این فیلم، مراحل فنی فیلم سینمایی «پن سای» به کارگردانی علی بهراد و تهیه‌کنندگی رضا فتح‌اللهی همچنان ادامه دارد. حاجی پور قرار است در این فیلم تا ایفاگر یکی از نقش‌های اصلی است.

«پن سسای» بزودی با انجام مراحل فنی برای اکران در سینماهای سراسر کشور آماده می‌شود. / **ایستا**



«پانته پناهی‌ها» در نمایش «صابر ابر»

نمایش «خون بس» به نویسندگی بهزاد آقاچامانی، طراحی و کارگردانی صابر ابر تیرماه امسال در تالار وحدت به روی صحنه می‌رود و بازیگرانی چون پانته‌آ پناهی‌ها، الهام کردا و اصغر پیران در کنار صابر ابر در این نمایش به ایفای نقش می‌پردازند.

«خون بس» که اثری از گروه «سکوت گوشت» است، سومین قسمت از سه‌گانه «به صرف بورش و خون» به شمار می‌آید. / **ایرنا**



مروری بر نمایش‌هایی که فوتبال را به صحنه نمایش آوردند از ملبورن تا مارادونا روی صحنه تئاتر



و کارگردانان ایرانی بیش از آنکه مجذوب خود مسابقه باشند، به آدم‌ها، خاطره‌ها، اسطوره‌ها و مناسباتی علاقه‌مندند که در سایه فوتبال شکل می‌گیرند. به یقین بازیگر جام جهانی ۲۰۲۶، طوی دوده‌ه گذشته فوتبال را به صحنه تئاتر ایران آورده‌اند؛ آثاری که هر کدام از زاویه‌های متفاوت به این پدیده اجتماعی نگاه کرده‌اند.

گزارش



حامد قریب گروه فرهنگی

هر بار که جام جهانی از راه می‌رسد، جهان برای چند هفته زیر سلطه فوتبال قرار می‌گیرد. خیابان‌ها، کافه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و گفت‌وگوهای روزمره رنگ و بوی دیگری پیدا می‌کنند و فوتبال به مهم‌ترین موضوع مشترک میلیون‌ها نفر تبدیل می‌شود. در این روزها فوتبال فقط یک مسابقه نیست؛ بخشی از حافظه جمعی ملت‌هاست، روایتی از شادی، حسرت، امید و هویت.

در ایران نیز فوتبال همواره فراتر از یک رویداد ورزشی بوده است. از صعود تاریخی تیم ملی به جام جهانی ۱۹۹۸ در ملبورن تا شب‌های پرتالنت جام‌های جهانی بعدی، فوتبال بارها به بخشی از تجربه مشترک ایرانیان تبدیل شده است. با این حال، اگر در این تجربه جمعی را در هنرهای نمایشی جست‌وجو کنیم، با پدیده‌ای متفاوت روبه‌رو می‌شویم. برخلاف سینما که بارها به سراغ فوتبال رفته، تئاتر ایران کمتر به این جهان‌پرورش نزدیک شده است.

تعداد نمایش‌هایی که فوتبال را موضوع اصلی خود قرار داده‌اند، چندان زیاد نیست؛ اما همین آثار محدود تصویری جالب از نسبت تئاتر ایران با محبوب‌ترین ورزش جهان ارائه می‌دهند. تصویری که نشان می‌دهد نمایش‌نامه‌نویسان

و تجربه زیسته مردم روایت می‌کند. به همین دلیل «ایران، استرالیای» را می‌توان یکی از مهم‌ترین آثار فوتبالی تئاتر ایران دانست.

«فنز»: فوتبال از روی سکوها

در میان آثار نمایشی مرتبط با فوتبال، «فنز» نوشته و کارگردانی محمد رحمانیان همچنان جایگاهی ویژه دارد. این نمایش تیرماه ۱۳۸۴ در سالن چهارسوس مجموعه تئاتر شهر و با حضور بازیگرانی چون مهتاب نصیریپور، ترانه علی‌دوستی، پرویز پرستویی و حبیب دهقان‌نسب روی صحنه رفت.

رحمانیان در این اثر به جای بازیکنان و مربیان، هواداران را در مرکز روایت قرار می‌دهد. داستان درباره خانواده‌ای است که زندگی‌شان با فوتبال گره خورده و نتایج مسابقات بر روابط و احساساتشان تأثیر می‌گذارد. در اینجا فوتبال تنها یک سرگرمی نیست؛ عاملی است که بر مناسبات خانوادگی و عاطفی اثر می‌گذارد.

«فنز» -بیش از آنکه درباره خود فوتبال باشد، درباره هواداران است؛ درباره شور، تعصب، خاطره و امیدهایی که گاه در نود دقیقه یک مسابقه خلاص می‌شوند. همین نگاه انسانی باعث شده است این نمایش همچنان یکی از مهم‌ترین نمونه‌های پیوند فوتبال و تئاتر در ایران محسوب شود. نکته جالب آن است که رحمانیان به جای ستاره‌های فوتبال، تماشاگران را قهرمان نمایش خود قرار می‌دهد؛ انتخالی که بعدها در برخی آثار دیگر نیز تکرار شد. گویی تئاتر ایران بیش از آنکه مجذوب ستاره‌ها باشد، به کسانی علاقه دارد که فوتبال را زندگی می‌کنند.

«ضیافت پناهی‌ها»

درام یک لحظه سرنوشت‌ساز

در میان آثار فوتبالی تئاتر ایران، «ضیافت پناهی‌ها» از معدود نمایش‌هایی است که خود فوتبال را در مرکز روایت قرار می‌دهد. این نمایش به کارگردانی پوریا کاکانود و با بازی امیر جعفری در سال ۱۳۹۶ در تماشاخانه پایز اجرا شد. داستان بر زندگی فابیو کروسو، زنده‌پنالتی قهرمانی ایتالیا در جام جهانی ۲۰۰۶، متمرکز است. روایت از لحظه‌ای آغاز می‌شود که او پشت توپ ایستاده و قرار است سرنوشت جام جهانی را رقم بزند. سپس نمایش به گذشته بازمی‌گردد و زندگی او را مرور می‌کند.

در این اثر، مسابقه و قهرمانی صرفاً پناهی‌ها برای روایت نیستند، بلکه بخش اصلی درام را شکل می‌دهند. «ضیافت پناهی‌ها» تلاشی است برای نمایش فشار روانی و مسئولیتی که بردوش یک فوتبالیست در لحظه‌های تاریخی قرار می‌گیرد؛ لحظه‌ای که می‌تواند مسیر یک زندگی و حتی تاریخ فوتبال یک کشور را تغییر دهد.

«مارادونا»: اسطوره‌های روی صحنه

اگر قرار باشد تنها یک فوتبالیست خارجی به شخصیت اصلی یک نمایش ایرانی تبدیل شود، انتخاب دیه‌گو مارادونا چندان دور از انتظار نیست. اسطوره آرژانتینی سال‌هاست که فراتر از یک ورزشکار، به شخصیتی فرهنگی و جهانی تبدیل شده است. نمایش «مارادونا» به نوبسندی و کارگردانی مهران رنجبر که زمانه ۱۴۰۰ در عمارت نوفل‌لوشاترو روی صحنه رفت، نگاهی به زندگی یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های تاریخ فوتبال دارد. این اثر تنها به افتخارات ورزشی مارادونا نمی‌پردازد، بلکه فرآورد و فرودهای زندگی، تناقض‌های شخصیتی و جایگاه اسطوره‌ای او را نیز بررسی می‌کند. «مارادونا» را می‌توان از اولین تئاترهای جدی تئاتر ایران برای روایت زندگی یک فوتبالیست جهانی دانست. نمایشی که فوتبال را به عنوان بخشی از یک زندگی پرچاند و تارامات‌کننده بازخوانی می‌کند و نشان می‌دهد چرا مارادونا همچنان برای هنرمندان سراسر جهان جذاب است.

«جیمی جامپ»

وقتی حاشیه به متن تبدیل می‌شود

پدیده جیمی جامپ سال‌هاست بخشی از فرهنگ فوتبال جهان محسوب می‌شود. افرادی که ناگهان وارد زمین مسابقه می‌شوند و نظم بازی را برهم می‌زنند. نمایش «جیمی جامپ» نیز از همین ایده الهام گرفته است. این اثر به نویسندگی صالح علوی‌زاده و کارگردانی سیما تیرانداز در پاییز ۱۴۰۳ در تماشاخانه ایران‌شهر روی صحنه رفت. نمایش از دل یک اتفاق فوتبالی به سراغ مفاهیمی چون شهرت،

دیده شدن و نسبت فرد با جامعه می‌رود. در خلاصه داستان اثر آمده است: «تا چند سال پیش، اینکه به دختری رو تو استادیوم ببینی رویا بود اما الان قراره به عنوان جیمی جامپ ببینیش...»

«جیمی جامپ» نشان می‌دهد که حتی حاشیه‌های فوتبال نیز می‌توانند به ماده خام درام تبدیل شوند. در اینجا فوتبال بیش از آنکه موضوع اصلی باشد، بستری برای طرح مسائل اجتماعی و فرهنگی است.

فوتبال، رسانه و پدیده عادل فردوسی پور

فوتبال در تئاتر ایران فقط از مسیر بازیکنان و مربیان وارد صحنه نشده است. عادل فردوسی پور نیز به عنوان یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های رسانه‌ای فوتبال ایران، الهام‌بخش چند نمایش بوده است. نمایش «چه می‌کنه این عادل فردوسی پور» به نویسندگی ساساغ خواجه‌امیری و کارگردانی حسین حیدری پور در سال ۱۳۹۴ و نمایش «علیه من شهادت نده» ۹۰» به نویسندگی آرمان طیران و کارگردانی همین کارگردان در سال ۱۳۹۸، هر دو از محبوبیت برزانه «نود» و جایگاه فردوسی پور در فرهنگ فوتبال ایران الهام گرفته‌اند. در این آثار، فوتبال از دریچه رسانه روایت می‌شود. رسانه‌ای که طی دو دهه گذشته به یکی از مهم‌ترین بازیگران فوتبال ایران تبدیل شده است. این نمایش‌ها یادآوری می‌کنند که فوتبال فقط در زمین مسابقه جریان ندارد؛ بلکه در برنامه‌های تلویزیونی، اتاق‌های خبر و فضای رسانه‌ای نیز بازتاب می‌دهد.

فوتبالی که هنوز روی صحنه جا نینشاده است

مجموعه نمایش‌های فوتبالی ایران، در مقایسه با جایگاه مثبت آن در جامعه، چندان پرشمار نیست. بیشتر آثار این نیز به جای پرداختن به خود مسابقه، سراغ پیامدهای اجتماعی و انسانی آن رفته‌اند. با این حال همین نمونه‌های محدود نشان می‌دهند که فوتبال ظرفیت‌های فراوانی برای تبدیل شدن به درام دارد؛ از یک مسابقه تاریخی در ملبورن گرفته تا زندگی فابیو کروسو، از اسطوره‌های جهانی مانند مارادونا تا پدیده‌های رسانه‌ای چون عادل فردوسی پور.

شاید مهم‌ترین نکته این باشد که تئاتر ایران هنوز در آغاز راه روایت فوتبال قرار دارد. ورزشی که دهه‌هاست بخشی از زندگی ایرانیان شده، نکرده است و شاید جام جهانی، مثل هر چهره دیگری با کبار، بهترین بهانه باشد برای یادآوری این پرسش قدیمی: چرا فوتبال با این همه داستان ناگفته، هنوز سهمی چنین اندک از صحنه تئاتر ایران دارد؟

عکس نوشت

رضامانی دبیر گروه فرهنگی

وقتی زمین گریست



عکس «مرتضی آخوندی» از خاکسپاری ۱۶۸ دانش‌آموز شهید میناب که در حملات روزهای اول جنگ توسط آمریکا و اسرائیل به شهادت رسیدند، عنوان اول بخش عکاسی خبری مسابقات Golden Shot ۲۰۲۶ را کسب کرد. اگر از دل هیاهوی روایت‌ها و خبرها، تنها با چشم انسان به آن نگاه شود، این تصویر، بیش از هر چیز شبیه به یک سوگ گسترده بر تن زمین است، سوگی که نه در یک خانه، نه در یک محله، بلکه در مقیاس کره سزمین پهن شده است. ردیف‌های منظم خاک، که هنوز بوی تازگی و ناتمامی می‌دهند، در سکوت خود چیزی را حمل می‌کنند که از جنس عدد و آمار نیست، از جنس نام است. از جنس کودک. در میان همه روایت‌هایی که بر چنین صحنه‌هایی سایه می‌اندازند، آنچه قلب را سنگین‌تر می‌کند، تصور کودگانی است که قرار بود جهان‌شان تازه در حال شکل گرفتن باشد. کودگانی از میناب، شهر و خانه‌ای که باید با بازی، مدرسه و آینده معنا می‌گرفت، نه با واژه‌هایی چون خاک، فقدان و وداع. نام میناب اگر در این تصویر تکرار می‌شود، دیگر فقط نام یک جغرافیا نیست؛ تبدیل به نشانه‌ای از زخمی جمعی شده است که هنوز در هاش باز است و بیست نشده. در این قاب، هر حرفه در خاک می‌تواند به چشم استعاره‌ای درنگ دیده شود؛ جای خالی یک زندگی که باید ادامه می‌یافت. اما اگر این تصویر را در بستر ادعای مربوط به ۱۶۸ دانش‌آموز شهید تصور کنیم، آنگاه خاک دیگر صرفاً زمین نیست، به حافظه‌ای زخمی تبدیل می‌شود که در آن صدای خنده‌هایی که باید در کلاس درس می‌پیچید، ناگهان در میانه راه قطع شده است.

در پیرامون این زمین، حضور انسان داده می‌شود، جمعیتی که در مرز میان سکوت و اندوه ایستاده‌اند. این حضور، تصویر را از یک ساختار صرفاً فیزیکی بیرون می‌کشد و آن را به یک سوگواری جمعی تبدیل می‌کند. هر چهره، هر ایستادن، هر فاصله، حامل یک فقدان شخصی است؛ فقدانی که در اینجا با فقدان‌های دیگر جمع شده و به یک درد بزرگ‌تر تبدیل شده است.

اگر این صحنه را با مفهوم «جانیت جنگی» در ذهن مرور کنیم، واژه‌ها هم به سختی از پس حمل بار آن برمی‌آیند. زیرا مسأله فقط مرگ نیست؛ مسأله، گسست ناگهانی مسیر زندگی است. کودگانی که باید در تقاطع رویا و تجربه بزرگ می‌شدند، در نقطه‌ای متوقف شده‌اند که هیچ منطقی توان توضیحش را ندارد و همین توقف ناگهانی است که تصویر را به مرز تحمل‌ناپذیری نزدیک می‌کند. خاک در این تصویر، دیگری بی‌جان نیست، سنگین است. رنگ‌های خاموش و بی‌جان زمین، بیشتر از آنکه زیبایی‌شناسانه باشند، حامل نوعی اندوه فرساینده‌اند؛ اندوهی که نه فریاد می‌زند و نه آرام می‌گیرد، فقط هست و ادامه دارد. اما شاید دردناک‌ترین بخش این قاب، همین فاصله میان دیده شدن و فهمیدن باشد. ما می‌بینیم، نظم خاک، تجمع انسان‌ها، وسعت صحنه. اما آنچه در عمق باقی می‌ماند، زندگی‌هایی است که در هیچ تصویر هوایی کامل نمی‌شوند. زندگی کودگانی که قرار بود نامشان در دفترهای مدرسه نوشته شود، نه در دل خاک. در نهایت، این تصویر نه یک پاسخ، بلکه یک سوگ باز است، سوگی که در آن نام‌هایی مثل میناب، کودکی و فقدان در هم گره خورده‌اند و اگر قرار باشد چیزی از آن در ذهن بماند، شاید همین باشد؛ اینکه پشت هر نقطه کوچک از این خاک، جهانی از آینده‌های ناتمام خوابیده است، آینده‌هایی که دیگر هرگز فرصت رسیدن به فردا را پیدا نکردند.

حافظه تاریخی در این ارتقش تعیین‌کننده‌ای دارد. گذشته در «حمله به تایتان‌ها» هرگز نیست؛ بلکه نیرویی فعال است که اکنون را شکل می‌دهد.

در چنین ساختاری، آزادی چیست؟ شاید گسستن از زنجیره حافظه. اما همین گسست، ناممکن‌ترین لحظه تاریخ است؛ زیرا هیچ کنشی بیرون از حافظه رخ نمی‌دهد. این نیز در همین پارادوکس گرفتار است؛ او می‌خواهد از تاریخ بگریزد، اما تنها از خلال تاریخ می‌تواند عمل کند. در نتیجه، اثر نه قربانیان را مقدس می‌کند و نه سست‌مگران را صرفاً هیولا می‌بیند. ایده کانونی این است که زنج‌دیدگی به خودی خود فضیلت اخلاقی ایجاد نمی‌کند. قربانیان نیز می‌توانند به عاملان خشونت تبدیل شوند. حافظه زنج، اگر با تأمل اخلاقی همراه نشود،

پیش محدود کرده‌اند. آزادی در اینجا نه یک وضعیت مطلق، بلکه میدانی از ششم‌کش میان حافظه، ترس و امکان است. ترازوی این دقیقاً در همین نقطه شکل می‌گیرد؛ او آزادی را به مثابه نفی کامل تهدید می‌فهمد. در تمایز قدرت از خشونت، هانا آرنه‌ت تذکر مهمی دارد: «قدرت و خشونت متضاد یکدیگرند؛ یکدیگر را به طور مطلق حاکم شود، دیگری غایب است.» این در مسیر خود، آزادی را از طریق خشونت مطلق دنبال می‌کند. خشونت می‌تواند تهدید را حذف کند، اما نمی‌تواند پیوند با بفریند؛ می‌تواند تاریخ را متوقف کند، اما نمی‌تواند آن را معنادار سازد. مسأله سیاست صرفاً داشتن نیت‌های خوب نیست، بلکه باید شرایط مسئولیت‌پذیرانه ایجاد کند. آیا می‌توان به نام آزادی، جهان را به ویرانی کشاند؟ از سوی دیگر، مسأله

درباره انیمیشن «حمله به تایتان‌ها» ← داستانی درباره حافظه و خشونت

در اینجا، حافظه تاریخی نه یک آرشیو خنثی، بلکه نیرویی فعال است که دشمنی را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. کودکان پیش از آنکه جهان را تجربه کنند، با روایت‌هایی از کارل اسمیت آن را بنیان امر سیاسی می‌دانست؛ نه عرصه یادگیری، بلکه سازوکاری برای تولید خشونت است.

از این منظر، آزادی نیز درون همین ساختار حافظه فهم می‌شود. این یگر با میل به آزادی آغاز می‌کند، اما آزادی او در بستری از حافظه‌های زخمی و دشمنی‌های انباشته شکل گرفته است. او می‌خواهد از «تغییر تاریخی» رهایی یابد، اما خود درون زنجیره‌ای از روایت‌ها و ترس‌ها گرفتار است که امکان انتخاب را از

حافظه و ترس زندگی می‌کنند و از خلال آنها یکدیگر را بازتولید می‌کنند. در اینجا می‌توان به یکی از بنیادی‌ترین ایده‌های فلسفه سیاسی مدرن رجوع کرد: ایده‌ای که کارل اسمیت آن را بنیان امر سیاسی می‌دانست؛ تمایز میان دوست و دشمن. در این منطق، هویت سیاسی نه از دل همزیستی، بلکه از دل مزیت‌بندی و طرد دیگری شکل می‌گیرد. «ما» تنها در نسبت با «آنها» معنا می‌یابد. «حمله به تایتان‌ها» دقیقاً بر همین منطق استوار است. مارلی و الدیا صرفاً دو قدرت سیاسی نیستند؛ بلکه دو حافظه تاریخی متخاصم‌اند. حافظه‌هایی که نه فقط گذشته را روایت می‌کنند، بلکه آینده را نیز شکل می‌دهند.

عباس نعیمی جوشری، جامعه‌شناس/ «حمله به تایتان‌ها» را نمی‌توان صرفاً یک انیمه یا حتی یک روایت آخ‌آلزمانی دانست. این اثر در لایه‌های عمیق تر خود، تأملی است درباره نسبت میان قدرت، خشونت، آزادی و حافظه تاریخی؛ یعنی همان عناصری که جوامع انسانی را می‌سازند و هم‌زمان امکان فرورپاشی آنها را نیز در خود دارند. در ظاهر، جهان داستان با نیک تقابل ساده آغاز می‌شود: انسان‌ها درون دیوارها و تایتان‌ها به مثابه دشمن بیرونی. اما این سادگی به تدریج فرو می‌ریزد. تایتان‌ها جای خود را به انسان‌ها می‌دهند و روشن می‌شود که مسأله اصلی نه هیولاها، بلکه مناسبات میان خود انسان‌هاست؛ انسان‌هایی که در حین تاریخ،



به ایدئولوژی انتقام بدل می‌شود. با این همه، «حمله به تایتان‌ها» در تاریکی مطلق پایان نمی‌یابد. در دل جنگ، هنوز عشق، دوستی، وفاداری و فداکاری حضور دارند. در این نقطه می‌توان به افق سپهروردی نزدیک شد؛ او می‌گفت: «نور، ظاهرفی نفس و مظهر لغیره»؛ نور خود آتش است و دیگران آست و دیگران آتش است. شاید بتوان گفت آنچه در سراسر داستان کیمیا است، همین توانایی دیدن دیگری است پیش از آنکه درون منطق دشمنی تثبیت شود. نهایتاً بزرگ‌ترین ترازوی «حمله به تایتان‌ها» نه ظهور تایتان‌ها، بلکه ناتوانی انسان در رهایی از منطق دشمنی است. شاید مسأله فقط «حمله به تایتان‌ها» نیست؛ مسأله ما هستیم؛ ما که هنوز نمی‌دانیم با حافظه‌های زخمی‌مان جهان می‌سازیم یا دیوار.